magiran.com

بررسی یک سند تاریخی از دورهٔ قاجار

دکتر عفت السادات افضل طوسی

چکیده

نقوش نمادین سنتی، محصول قرنها تلاش هنرمندان، اندیشمندان و صنعتگران هر جامعه است که معانی عمیق و گسترده‌ای، به اختصار و موجز در آنها به تصویر درآمده است. گسترهٔ نماد، به گستردگی فرهنگ و هنر ملتهاست و بحث نمادها در ارتباط تصویری بسیار مهم و ارزشمند می باشد.

نماد را، در بحثهای مختلف هنر گرافیک می توان پیگیر شد. یکی از این موارد، استفاده از نماد در کارت می باشد. کارت، یکی از محملهای کاربردی هنر گرافیک است که انواع آن، شامل کارتهای عضویت، اعتباری، کارت پستالها، کارتهای تبریک، کارت دعوت و مانند اینها می باشد. این کارتها اگرچه به منظور اطلاع رسانی به کار می روند، اما طراحی آنها از مباحث مهم گرافیک است و حامل بسیاری از نشانه ها و سمبلها می توانند باشند. در مقالهٔ حاضر، با معرفی یک کارت دعوت از دورهٔ قاجار، به بررسی مهم ترین نمادهای آن دوره پرداخته شده است.

فرهنگ وبستر، در تعریف سمبل (نماد) چنین آورده است: یک مفهوم، علامت، نشانه و... که به جای مفهوم و یا عقیدهٔ دیگر می نشیند و به کار می رود، مانند کبوتر که نماد صلح است (وبستر، ص ۹۱۱)؛ و به عبارتی، "نماد به سادگی چیزی است که به جای چیز دیگر به کار می رود و نشانهٔ آن است یا بر آن دلالت دارد" (هال، ص ۱۴).

کارتها، یکی از موارد کاربردی هنر گرافیک به شمار می روند؛ زیرا اگرچه برای اطلاع رسانی استفاده می شوند ولی طراحی آنها به مبحث گرافیک برمی گردد و بسیاری از نمادها را می توان بر آنها بار کرد.

یکی از انواع کارتها، کارت دعوت می باشد که مسلماً علاوه بر اطلاع رسانی، می باید حامل ویژگیهای مراسم و شئونات ارسال کنندهٔ آن باشد. در این نوشته، به بررسی نمادهای تصویر شده در کارت دعوتی از دورهٔ قاجار می پردازیم تا بدین ترتیب در ضمن تشریح ارسال پیامی از آن دوران، به شناختی از ارزشها و نمادهای آن روزگار دست یابیم. این کارتهای دعوت را به صورت چاپ سنگی کار کرده اند و در واقع تحفهٔ وارداتی پس از صنعت چاپ بوده است. معمولاً سفارتخانه ها به مناسبت جشنها و اعیاد و یا روز ملی خود، اقدام به ارسال کارتهائی برای دعوت رجال می کردند و این امر، مورد تقلید دربار و رجال ایرانی نیز واقع شد و ایشان نیز درمناسبتها بویژه در عید نوروز و مراسمهای عزاداری مانند عزاداری سیدالشهدا، اقدام به ارسال کارت می کردند. حتی زنان رجال و شاه قاجار، ناصرالدین شاه، برای برگزاری مراسم ویژهٔ بانوان در دربار، کارت می فرستادند و غالباً چاپ سربی و یا سنگی بوده است. جای اسم مهمان بر روی کارت خالی بوده که با قلم خوشنویسی می شده است. گاه این کارتها را رنگامیزی می کرده اند که اصطلاحاً آن را دسترنگ می گفتند.

قدیمی ترین کارت به دست آمده - که در نزد دکتر مظفر بختیار می باشد و نامبرده تصویر آن را در اختیار مؤلف نهاده است (تصویر ۱) - به نام عصمت الدوله،

magiran.com

تصویر ۱- کارت دعوت از سوی منیرالسلطنه برای عصمت الدوله دختر ناصرالین شاه قاجار به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س)

دختر ناصرالدین شاه و به مهر منیرالسلطنه (دعوت کننده)، همسر ناصرالدین شاه است و به مناسبت جشن سبز (میلاد حضرت فاطمه) ارسال شده و تاریخ روز پنجشنبه بیستم جمادی الثانی ۱۳۰۶ را دارد. این کارت چاپ سنگی با خوشنویسی زیبا، به خط نستعلیق می باشد که در اطراف آن تزئینات گل و برگ کنگری و اسلیمی با تمایلات فرنگی مآب دیده می شود. برگ کنگری پائین حاشیه، خود نشانگر نفوذ هنر غربی است که از دوران اشکانی گذر کرده و در کاخ بیشابور ساسانی به عنوان تزئین در گچکاریها دیده شده است (نگاه کنید به تصویر ۲)، و در ادامه در دو طرف بالای کارت به اسلیمی ختم یافته است. نگاه فرشتگان نگهبان، متوجه تصویر ناصرالدین شاه در رأس کارت است و در دو سوی شاه، شیران شمشیر بدست می باشند که به او می نگرند. مهر منیرالسلطنه همسر ناصرالدین شاه، به خط طغرا در انتهای نوشتار است.

این کارت، حامل ویژگیهای هنر گرافیک به معنای امروزی آن می باشد که با ورود صنعت چاپ در حال شکل گیری بود. ارزش دیگر این کارت، در نشانه های نمادین آن است که به صورت واسطه بین هنر سنتی ایران و فرنگی مآبی درحال گسترش شکل گرفته است. با اینکه هنر دورهٔ قاجار به لحاظ ارزشهای سنتی از دید صاحب نظران رو به انحطاط برشمرده می شود، اما این کارت نشانگر ویژگیهای اصیل و ماندگار هنر ایرانی از دورهٔ باستان تا زمان اثر می باشد و می توان گفت این کارت، شامل نمونه های برجسته ای از نمادهای ایرانی بویژه سمبلهای رایج در دورهٔ قاجار است.

اولین نماد، نماد فرشته است که از نمادهای رایج در میان ملل در دوران مختلف بوده و از سمبلهای خاص دورهٔ قاجار می باشد.

نماد فرشته، نماد پاکی و قداست است و همواره به صورت حامل پیام و یا هدیه ای مقدس و یا نگهدارندهٔ شیئی گرانبها در آثار آورده شده است.

فرشته، از خدایان فرهنگ سامی و مصری آمده و در غالب ادیان، واسطهٔ میان جهان زمینی و آسمان است. این نماد، در هنر ادیان یهودی و اسلامی و خصوصاً مسیحی بسیار استفاده شده است، و گاه فرشته غالباً در نقش مبارز، پیام آور و یا مدافع دیده می شود و شیپور، شمشیر یا عصا و چنگ یا عطر در دست دارد. (ترسیدر، ص ۱۳)

در هنرها در ایوان ورودی پاسارگارد از بناهای باستانی هخامنشیان،

تصویر ۲

فرشته ای با چهار بال ایستاده و شیئی مقدس روی سر دارد که در واقع نماد نگهبانی از مکان مقدس و حامل درخت مقدس می باشد.

دو فرشته ای که در دو طرف کارت در میان اسلیمیها قرار دارد، به شکل کودک بالدار است که در واقع نمادی بجا مانده از نقش برجستهٔ بیشاپور دوران ساسانی است. در نقش برجستهٔ مراسم دادن دیهیم به شاپور یکم، کودکی بالدار، حامل هدیهٔ الهی است که همان دیهیم شاهی می باشد (تصویر ۳).

کودک بالدار یا فرشته - که از نمادهای بسیار رایج در تمام فرهنگهای باستانی و معاصر است و به تعبیری همان فرشته است - فرشتهٔ واسط میان خیر و برکت آسمانی برای زمینیان است. فرشتگان، پیک خداوند و واسط میان این دنیا و جهان اشراق می باشند. در نمادهای اسلامی، هشت فرشته ای که پیرامون عرش الهی هستند (سورهٔ الحاقه، آیهٔ ۷۱)، نمایانگر جهان برین و روحانی و ارواح واسطه می باشند؛ واسط میان آسمان و زمین، نیروهای نگه دارنده و حمایت کننده، و تقدس بخش به نیروهای زمینی می باشند (کوپر، ص ۲۷۲). فرشتگان در میان رومیان، ایرانیان و مصریان و همهٔ ادیان به رغم مأموریت خاص آنان (مانند میکائیل برای روزی و...)، نیکوکاران را محافظت و بدکاران را مجازات می کنند، و میانجی خدا و انسان می باشند. شکل کودک بالدار در نقاشیها و مجسمه های دورهٔ رنسانس و باروک و در میان مجسمه های تدفینی رومی، بسیار دیده شده است و در میان بودائیان نیز با داشتن دسته گلی در دست، از روم و یونان نفوذ یافته اند، و در هنر غیر مذهبی ملازمان آفرودیت، ونوس و کوپیدون و الهه های شعر وموسیقی اراتو هستند. (هال ص ۲۶۶)

در دوران اسلامی، در نگارگری غالباً فرشته به صورت جوانی با دو بال نقاشی شده است و مثال بارز آن در نقاشی معراج حضرت محمد (ص) از سلطان محمد، و یا مثالی از نقاشی خاورنامه است. تنها در مکتب هندی ایرانی مغول، فرشته به صورت کودکی با دو بال در صحنهٔ رؤیای شاه عمل ابوالحسن و چند نقاشی دیگر تصویر شده که نویدبخش و مؤید الهام الهی است (تصویر ۵-۴). در دورهٔ قاجار در نقاشی ای از محمد زمان - که به تقلید از مضامین نقاشی اروپائی کشیده است - کودک بالدار را با عصای جادوئی در دست می بینیم. حضور گسترده تر فرشته به شکل کودک بالدار، در مهرهای دورهٔ قاجار است که به

magiran.com

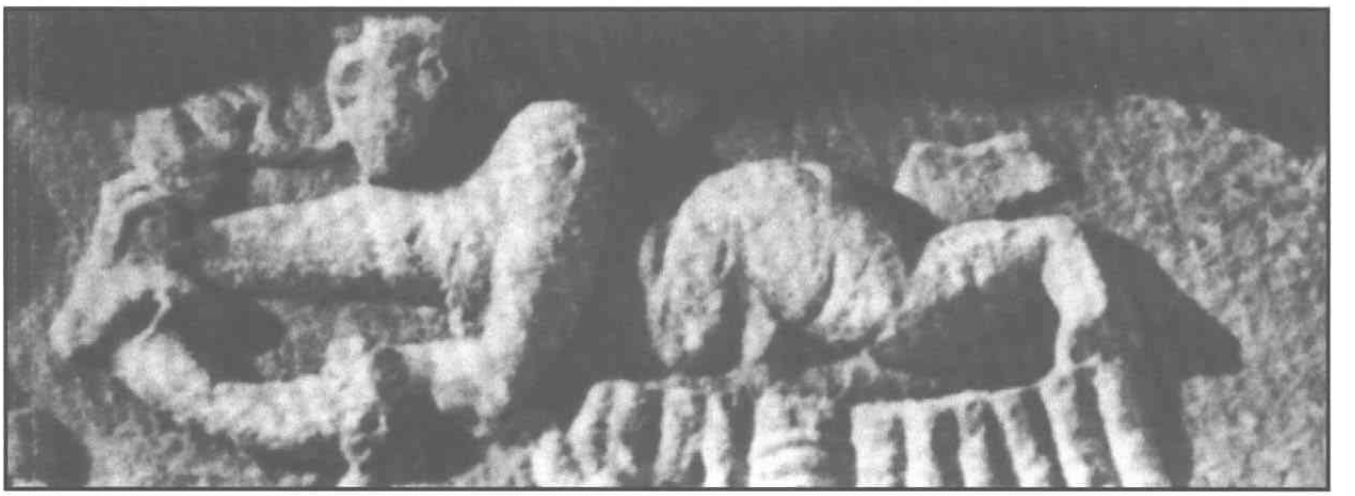

تصویر ۳ - بیشاپور - فرشته در حال دادن دیهیم به شاه

جهت کاربرد زیاد این شکل از فرشته در آثار نقاشی غربی در وهلهٔ اول، به نظر می رسد که تحت تأثیر فرنگی مآبی آن دوره است. اما با توجه به کودک بالدار نقش بیشابور، اهمیت سنتی این نقش و استفاده از آن در ایران اثبات می گردد.

بسیاری از مهرهای مورد استفادهٔ دورهٔ قاجار، در واقع اسامی حک شده بر سنگ، به خطوط طغرا، نستعلیق و شکسته می باشد. اما گروهی از مهرها - که بویژه در دربار و برای اسناد رسمی به کار رفته است - منقوش به فرشته هائی به شکل دو کودک بالدار و یا چهار کودک بالدار است که دو تا در بالا و دو تا در اطراف اسم شاه، منقور شده است و معمولاً در مهر ناصرالدین شاه به کار رفته است. دو فرشتهٔ بالا، تاج شاهی و دو فرشتهٔ دیگر، معمولاً به صورت قابی در اطراف اسم شاه حک شده است. (تصویر شمارهٔ ۶)

در اینجا لازم است به نماد بسیار مهم دیگر در فرهنگ ایران و نیز در دورهٔ قاجار، اشاره کنیم و آن، نماد دیو است.

دیو، از موجودات افسانه ای در اساطیر ایرانی است که در اوستا، این نام به صورت مازن به معنی تنومند، قوی هیکل و در پهلوی به صورتهای مازن، مزن، مازندر به کار رفته و می گویند آنها دسته ای بوده اند ناخداپرست، درشت اندام و زورمند که مردم را آزار می دادند و خلاف قانون عمل می کردند. (عفیفی، ص ۵۲۴)

دیو، در تضاد با نماد فرشته می باشد و در اشعار فارسی نیز غالباً با لفظ فرشته در کنار هم آورده شده است.

آورده اند پشت بر این آشیان دیو
پس چون فرشته روی به عقبا نهاده اند
(عطار)

غولی است جهان، فرشته پیکر
تسبیح به دست و تیغ در بر
(نظامی)

گر نشیند فرشته ای با دیو
وحشت آموزد وخیانت و ریو
(دهخدا، ص ۱۵۰۶۲)

در هنر دورهٔ قاجار، نماد دیو به کرات به کار رفته است و سمبل قدرت و شکوه سلطنتی است؛ بدین معنا که صاحب قدرت، توانسته حتی دیوان را شکست دهد و در زیر سلطه آورد.

این نمایش نمادین قدرت را، اولین بار توسط فتحعلی شاه قاجار می یابیم که در سال ۱۲۱۹ دستور ساخت تختی از مرمر زرد برای برپائی در ایوان کاخ داد و معماران و صنعتگران اصفهانی آن را ساختند (تناولی، ص ۳۰). این تخت، یادآور تخت سلیمانی و تعابیر آن است که دیو و فرشتگان آن را بر دوش دارند. در اینجا به یاد شکوه و سلطنت حضرت سلیمان (ع) که دیوان در خدمت او بودند (سورهٔ سبا، آیهٔ ۱۱) و حکایات مربوطه، تخت مرمری از سنگ تراشیده اند که بر دوش دیوان و فرشتگان بوده و اکنون در کاخ گلستان است. حضور دیو و فرشته در کنار هم، به عنوان نماد قدرت و شوکت شاهی بر همه موجودات است که اشاره به قدرت الهی سلیمان نبی (ع) دارد و در بسیاری از هنرهای

تصویر ۴

magiran.com

دستی بویژه دستبافتهای روستائی و نقاشی فرشها نیز دیده می شود.

در آرمهای رسمی قاجار، همان نمادهای معروف دورهٔ قاجار را - که در کارت دعوت منیرالسطنه مورد بحث بود، می بینیم با این تفاوت ظاهری که فرشتگان منقوش در آرم، به جای تصویر ناصرالدین شاه در کارت دعوت مذکور، تاج شاهی مورد حمایت ایشان است.

در کارت دعوت دورهٔ قاجار، تمام سمبلهای نماد قدرت شاهی و حکومتی دیده می شود که در سراسر تاریخ فرهنگ و هنر این مرز و بوم معمول بوده است و نیز از لحاظ معنائی ملازم هم هستند.

دیگر نماد بسیار مهم هنر ایرانی - که در این کارت نیز ترسیم شده است - شیر است که تقریباً در تمام اسناد رسمی قاجار هم دیده شده است.

شیر، از نشانه های باستانی، ایرانی و ملی است. در مورد شیر، آورده اند: نشانه‌ای شمسی و قمری است؛ هم خوب است و هم بد؛ در نقش شمسی حرف خورشید و گرمای آن است و شیر سمبل دلیری، عظمت، شهامت و قدرت نظامی، و عدالت است؛ از سوی دیگر سمبل بی رحمی، سفاکی، نماد جنگ و ایزد جنگ است. در کارت مورد بحث و در غالب آثار دورهٔ قاجار، شیر نر آورده شده و نماد پاسداری و حمایت است؛ نمادی برای شهامت و عدالت؛ موجودی که نگاهدارنده و حمایت کننده و ستیزه گر است. در واقع نمود بی رحمی شیر در جهت پاسدار بودن او شکل مثبت نیز می یابد. او، نگهبان نمادین پرستشگاهها و قصرها و آرامگاهها بود و درنده خوئی او مانع تأثیر زیان آور بود. (جی - سی کوپر، ص ۲۳۴)

غالباً در ایران شیر با خورشید همراه است که در واقع ریشه در فرهنگهای مصری دارد. در مصر، شیر مربوط به پرستش خورشید، خدا یا رع همراه است؛ اکر [Aker]، خدای زیرزمینی است که قایق خورشید، خدا را در سفر شبانه اش به سوی شرق حفاظت می کرد؛ دارای دو سر شیر بود که در دو سوی مقابل یکدیگر قرار دارند. در مصر و هنر بین النهرین نیز، شیر، نگهبان معابد و قصرها به شمار می رفت.

"شیر و خورشید در ایران، در تصویر میترا/مهر با سر شیر با یکدیگر دیده می شوند که شش بار به دور آن پیچیده است؛ نماد راه خورشید از طریق کسوف است و در این جا شیر در نمادها معمولاً کرهٔ خورشید را در دست دارد. شیر را گاهی چنان نشان می دادند که یکی از پنجه های قدامی خود را بر روی کرهٔ خورشید نهاده است. تصاویر از این گونه - که احتمالاً از ایران نشئت گرفته - به هندوستان وارد و از آنجا در حدود سدهٔ چهارم میلادی به دنبال آئین بودائی به چین رسید و در سدهٔ پنجم به ژاپن وارد شد. هنگامی که شیران را به عنوان نگهبانان پرستشگاههای بودائی اتخاذ کردند، تغییر شگفت انگیزی روی داد؛ بدین معنا که شیر، بعضی جنبه های اسباب بازیهای چینی را به صورت سگ به دست آورد. در این هنگام کرهٔ خورشیدی با شیر، نماد سیتامانی، یا گرهر مقدس بودائی شد" (هال، ص ۶۳)؛ این جانور، تقریباً در کلیهٔ تمدنهای خاور نزدیک به عنوان نماد قدرت و سلطنت به کار رفته و با قدرت خورشید برابر است و شخصیت و صفات برجسته اش، او را نمایندهٔ خدای خورشید و پادشاه قرار داده که در واقع در فرهنگهای باستان به اندازهٔ خدا، مقدس و قدرتمند بوده است. (جابز، ص ۷۷)

نماد شیر به عنوان سمبلی که نشانگر قدرت صاحب آن است، به شکلهای مختلف در هنر ایران باستان آورده شده است، از جمله شکل افسانه‌ای آن، گریفین می باشد که بر دروازه های تخت جمشید، مدافعانه ایستاده است. جامهای متعدد

تصویر ۵

با نقش برجسته ای از شیر زینت یافته از دورهٔ ساسانیان بسیار به جا مانده است.

اما شیر، امروزه هم در میان مردم نماد مذهبی است؛ نماد وجود حضرت علی (ع) است که نام دیگر او اسد می باشد. در ادبیات، مثالهای بسیاری در این مورد هست که در اینجا به آن اشاره می کنیم.

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان منزه از دغل
(مولوی)

علی، آن شیر خدا، شاه عرب
الفتی داشته با این دل شب
(شهریار)

در نگارگری اسلامی نیز، شیر را به عنوان نماد وجود حضرت علی (ع) در بعضی از نقاشیهای معراجنامهٔ پیامبر (ص) در دورهٔ صفوی و قاجار آورده اند. یکی از آنها، مربوط به نسخهٔ خطی به نام "فالنامه" منسوب به امام صادق (ع) مصور در اوایل دورهٔ صفوی می باشد؛ و نیز در نسخه ای از کلیات سعدی به

magiran.com

تاریخ ۱۰۳۴ق./۱۶۲۴م.، سبک شیراز در صحنه‌ای از معراج، پیامبر سوار بر براق در وسط نگاره است و به شیری در قسمت چپ و بالای تصویر، خاتم نبوت را می‌دهد. (رابینسون، ۱۹۷۶،ص ۱۴۸). (تصویر ۷)

شیر، یکی از اصیل ترین نمادهای ایرانی است که به عنوان سمبل ملی در دوره های مختلف بر بیرق یا پرچم ایران نقش شده است.

استفاده از نقش شیر و گاه همراه با خورشید، بر پرچم ایران در دوره های مختلف ایران دیده شده است.

اولین بیرق با نقش شیر -که بر بالای آن ماهی زرین بوده -مربوط به دورهٔ سلطان مسعود غزنوی است و در عهد بعضی از سلاطین سلجوقی نیز، بیرقی با نقش شیر استفاده شده است. در دورهٔ الجایتو نیز نقش شیر ایستاده بر پرچمی با دو زبانهٔ مثلثی شکل بوده؛ برچم آق قویونلو، با علامت گوسفند و خورشید بود. در دورهٔ شاه تهماسب، خورشید بر پشت بره و از زمان شاه عباس به بعد، بیرق رسمی، شیر و خورشید بود که به رنگهای مختلف بوده و آیه‌ای از قرآن و شمشیر حضرت علی (ع) با شیری که خورشید بر پشت دارد، نقش می کردند. در زمان صفویه نیز، بیرق دو زبانه با نقش شیر ایستاده با دم عَلَم کرده و خورشید بر فراز آن بود. بیرق نادر شاه نیز منقش به شیر و خورشید بود. (دهخدا، ص ۴۵۰۶)

در دورهٔ فتحعلی شاه، سکه‌ای به سفارش ایران در انگلستان ضرب شد که بر آن دو شیر در دو طرف، تاج شاهی را حمایت می کنند و جملهٔ اسدالله الغالب روی نواری در پائین نقش شیرها آمده است. (هنر و مردم، صص ۲۳-۲۲) اشارهٔ این جمله، دقیقاً مربوط به حضرت علی (ع) است که در دعای دوازده امام به نقل از خواجه نصیر طوسی، در ذیل صفات و القاب امام علی (ع) آورده اند: اسدالله الغالب، شیر غالب خدا (فلسفی، ص ۱۲۹)، در زیارت مطلقهٔ امیرالمؤمنین آمده است: "السلام علی اسدالله فی الوغی" سلام بر شیر خدا در نبرد. (قمی، ص ۵۸۸)

شمشیر، نماد دیگر رایج در دورهٔ قاجار است که در کارت دعوت مذکور و به کرات در آرمهای دولتی و رسمی این دوره دیده می شود. نیز نماد اقتدار، حمایت و حفاظت، دلیری و قدرت و سلطنت است، و از مشترکات معانی آن با شیر، آن است که شمشیر، مظهر آتش وپاک کننده است (کوپر، ص ۲۳۲)؛ در اسلام شمشیر، نماد جهاد مؤمنان علیه کفار است، و جهاد با نفس را یادآوری می کند. علاوه بر آنکه یادآور شمشیر عدالت حضرت علی (ع) نیز می باشد. شیران شمشیر بدست، در واقع به طور قرینه در دو طرف تصویر شاه، شکل قرینه‌ای برای رسیدن به ترکیب مرکزی تصویر ناصرالدین شاه با معنای حمایت، اقتدار و محافظت، مهیا می سازد.

نماد شیر در ترکیب با شمشیر، تأکیدی بر صلابت و قدرت و حفاظت الهی از ملک و مملکت و عدالتخواهی و استقامت می باشد.

تزئینات گل و گیاه اطراف کارت -که به طور قرینه در دو طرف آمده است -همان شیوهٔ تزئینی مورد علاقه در هنرهای سنتی، یعنی تزئینات گل و برگ و اسلیمی است که در حاشیهٔ اسناد ملی دستنویس قبل از جدول بندی آورده شده است و در کتاب آرائی سنتی نیز سابقه دارد؛ با این تفاوت که در حاشیهٔ گل و گیاه کارت مورد بحث، این تزئینات فرنگی مآب است و به جای اسلیمیها و ختائیهای برگ مو و انگور، برگ کنگریهای سر ستونهای بیزانسی -که در کاخ بیستون هم آورده شده است -دیده می شد. در کارت مذکور، از جدول بندیهای دقیق مورد استفاده در اسناد و رقعات دستنویس استفاده نشده و با گل و برگهائی کنگری نوشته کادربندی شده است.

تصویر ۶ - مهر ناصرالدین شاه قاجار

برگ کنگر اگرچه در نقشهای گچبری بیشابور (تصویر شمارهٔ ۸) دیده می شود، اما بیش تر به سر ستونهای کورنتی دوران بیزانس و روم باستان تعلق دارد. (جیمز هال، ص ۲۹۹)

برگها و یا خوشهٔ گندم در اطراف شاه، نشانهٔ سرسبزی و نماد حیات و جاودانگی و برکت است.

در سکه های طلای رومی نیز تاجی از برگ، نماد الوهیت یا پیروزی و ظفر است (کوپر، ص ۵۵). در واقع آرایش برگها در اطراف کادر، نشانهٔ حیات، شادمانی، سرزندگی، طراوت و پاکی است. مجموعهٔ آنچه هر کارت می تواند در پیام خود به مخاطب در مورد دعوت حکومتی و درباری برساند، در کمال سادگی و دقت در کارت حاضر جمع گشته است. روزی خوش و میمون، ساعتی خوش در مکانی خوش در دربار ملکوتی و عدالت گستر، و پاسدار کیان ملی و مملکت، دربار ناصرالدین شاه، منیرالسطنه (همسر شاه)، عصمت الدوله (دختر شاه) برای مراسم جشن و سرور و نهار و عصرانه، دعوت می کند!

magiran.com

تمام نشانه های تشخص، قدرت ملی و مذهبی در این کارت جمع است و با خط زیبای نستعلیق، نشانهٔ ملیت و سنت در این کارت تکمیل شده است، نماد شیر همواره با نمادهای شمشیر، خورشید و حتی به جهت معنای محافظت و مدافع بودن با نماد فرشته قرابت دارد و این همه معنا و دقت در انتخاب نمادها در کارت دعوت شاهانه، امری درخور تحسین است؛ زیرا این اولین گامهای شکل گیری گرافیکی یک هنر وارداتی یعنی کارت دعوت چاپی می باشد. این انتخابها، نمی تواند تصادفی و یا بدور از دانش هنری و فنی صورت پذیرفته باشد.

این کارت فقط پیامی اشرافی نیست، بلکه اثری نمادین است. اتفاقی است که می توان گفت بعدها با گسترش چاپ سربی به لحاظ کیفیت هنری و فرهنگی از قدرت بیان و ارزشهای فرهنگی آن کاسته شد. شاهد این سخن، کارت دعوت وزارت تشریفات دورهٔ ناصرالدین شاه است که فوت و مراسم تشییع جنازهٔ او را به اطلاع می رساند؛ کارت، با چاپ سربی به طبع رسیده، بجز آرم معرف دورهٔ قاجار، از طمطراق و شوکت شاهی کارت قبلی در آن اثری نیست. گوئی خود به زبانی دیگر، مرگ دولت شاهی و بعضی ارزشهای هنر سنتی را اعلام می کند.

تصویر ۷ - معراج پیامبر

کتابنامه :

۱- قرآن مجید
۲- قمی ، عباس ، کلیات مفاتیح الجنان ، انتشارات امیری ، ۱۳۷۹.
۳- فلسفی ، علی ، گنج العرش ، انتشارات بلادی ، چاپ دوم ، ۱۳۸۱.
۴- دهخدا، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ اول از دوره جدید ،ج سوم ، بهار ۱۳۷۳ .
۵-دهخدا، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ اول از دوره جدید ،ج چهارم، بهار ۱۳۷۳.
۶- عفیفی ، رحیم ، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته های پهلوی ، طوس ، چاپ اول ۱۳۷۴.
۷-تناولی ، پرویز ، قالیچه های تصویری ایران ، سروش ، ۱۳۶۸.
۸- جابز ، گرترود ، سمبل ها، ترجمه و تالیف محمد رضا بقاپور ، جهان نما، ۱۳۷۰.
۹- کوپر ، جی . سی ، فرهنگ مصور نمادهای سنتی ، ترجمه ملیحه کرباسیان ، فرشاد ، ۱۳۷۹.
۱۰- شهرستانی سید حسن ، جلوه های هنر ایرانی در اسناد ملی ، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۱.
۱۱- هال ، جیمز ، فرهنگ نگارهایی نمادها در هنر شرق و غرب ، ترجمه رقیه بهزادی ، فرهنگ معاصر ، ۱۳۸۰.
۱۲-Tresidder ,Jack , dictionary of Symbols ,Duncan Baird Publishers, ۱۹۹۷.
۱۳- Webster پ New World, Mac Millan. USA. ۱۹۹۲
۱۴ - Robinson. B.W ,Persian painting in the India O ffice L ibrary ,Sotheby Parke Bernet ,۱۹۷۶.

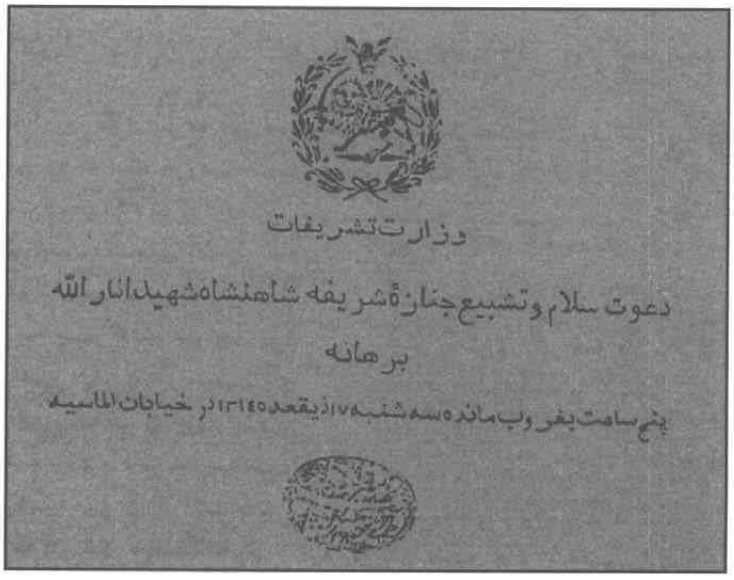
وزارت تشریفات

دعوت سلام و تشییع جنازهٔ شریفه شاهنشاه شهید انار الله برهانه

پنج ساعت بغروب مانده سه شنبه ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۴ در خیابان الماسیه

تصویر ۸ - کارت دعوت ۱۳۱۴ه ق